

## قانون پسماند نیازی از سال‌های دور

عباس جلالی



پلیس بلديه‌اش، همچنين نظمیه [= شهربانی] و پاسبان‌های آن نیز نتوانستند پایتخت پهلوئی را بسامان کنند و ادبار و آلودگی را یکسره از شهر دور سازند.

در روزگار پهلوئی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷ خ) رسانه‌هایی چون روزنامه، هفته‌نامه‌ها، رادیو و به ویژه سینما و در دهه‌های واپسین تلویزیون، ناخواسته الگوهایی را از فضاهای شهری برای مردم به نمایش می‌گذاشتند، اما با همه‌ی تلاش‌ها، برای پاکیزه نگه‌داشتن شهر، رفتارهای سنتی مردم، کار را به دشواری می‌کشاند. درک فضای همگانی شهر برای مردمانی که تنها فضای خصوصی برایشان ارزشمند بود و فضای بیرون را از آن حکومت می‌دانستند، کاری بس دشوار بود. زمینه‌ی خالی قانونی مدرن برای ره‌اندین شهرهای گسترده از چنگال دیو پسماندهای دم افزون که سر هر گذر و خرابه‌ی را می‌انباشت، به خوبی به چشم می‌خورد، تنها بر پایه‌ی قانون شهرداری (مصوب ۱۳۳۴ خ) موارد زیر در زمینه‌ی پاکیزگی و نظافت شهری به عهده شهرداری گذاشته شد: "نظافت، نگهداری و تسطیح معابر"، "نظافت و نگهداری (؟) فاضلاب"، "نظافت و نگهداری انبارهای عمومی"، "نظافت و نگهداری مجاری آب‌ها"، "تعیین محل‌های مخصوص دفع زباله"، "مراقبت در امور بهداشت"، "تأسیس مراکز درمانی"، "جلوگیری از شیوع امراض"، "نظارت بر امور صحتی اصناف و پیشه‌وران"، "جلوگیری از صنایع مزاحم"، "ایجاد رختشوی‌خانه و آبریزگاه"، "ایجاد حمام عمومی"، "رعایت شرایط بهداشتی در کارخانه‌ها"، "رعایت پاکیزگی در گرمابه‌ها" و "اقدامات مختلف برای نظافت و زیبایی شهر". رفته رفته برخی از این وظایف به عهده‌ی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دیگر گذاشته شده و گردآوری، ترابری و دفع انواع مواد زاید جامد شهری و نظافت گذرگاه‌ها و فضاهای عمومی

فضای شهرهای روزگار قاجاری از چنان نابسامانی و آلودگی برخوردار بود که تصاویری از آن‌ها را در لابلای نوشتگان آن روزگار و یادداشت‌های کسانی که ثبت وقایع می‌نمودند، می‌توان به چشم دید. مانند: روزنامه *خاطرات اعتماد السلطنه* و کتاب‌هایی امروزی‌تر چون: *طهران قدیم* و...

با انقلاب (شهری) مشروطه و تصویب قانون اساسی، شهری که خاستگاه این انقلاب بود، جایگاهی بزرگ و مهم در زندگی اجتماعی مردم یافت، چندانکه به فاصله‌ی تنها یکسال "قانون بلدییه" زاده شد. (۱۲ خرداد ۱۲۸۶ خ / ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ق) قوانینی که تولد نهادی مالی و گرداننده‌ی شهر را اعلام می‌کرد و مدیران آن (اعضای انجمن بلدییه و رئیس بلدییه) را معین می‌نمود. این قانون هرگز نتوانست اجرا گردد، اما در مواردی از آن نظافت و رفت و روب شهری را به عهده‌ی بلدییه (شهرداری) گذاشته بود؛

در فصل اول - قواعد کلیه - در بخش امور راجعه به بلدییه آمده است: "رابعاً ساختن و پاک نگاهداشتن کوچه‌ها و میدان‌ها و خیابان‌ها از پیاده‌رو و کالسکه‌رو و باغ‌های عمومی و مجاری میاه [= آبگذرها] و زیر آب‌ها و پل‌ها و معابر و غیره و همچنان روشن کردن شهر و تقسیم آب‌های شهری و مراقبت در تنقیه قنوات و پاکیزگی حمام."

در استبداد صغیر - فرمانروایی محمدعلی شاه - درگیری‌ها و جنگ‌های خیابانی، نابسامانی‌های شهر فزونی یافت آلودگی فضای کوچه، خیابان، میدان‌ها، کاروانسراها و بازارها به گونه‌ای بود که فرامین شهری نود و چندگانه‌ی سید ضیا در حکومت کودتای ۱۲۹۹ خ و بعداً دستگاه‌های اجرایی و منضبط روزگار پهلوئی اول (۱۳۰۰-۱۳۲۰ خ) چون سرتیپ بوذرجمهری رئیس بلدییه و



پسماندها به تصویب نمایندگان مجلس نیز رسید. این قانون با ۳۳ ماده و ۹ تبصره یکی از بزرگترین دستاوردهای مدیریت یکپارچه شوندهی شهری است که پس از سال‌ها تلاش و کوشش در پایان قانونی را بار آورد که سازمان حفاظت از محیط‌زیست را به همراه وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، صنایع و معادن، نیرو، نفت و جهاد کشاورزی، وزارت کشور و شهرداری‌ها را یکسره به میدان مبارزه با آلایندهی محیط‌زیست مردمان این سرزمین کشانیده است. این قانون پس از تأیید شورای نگهبان برای اجرا به ریاست جمهوری ابلاغ گردید. موادی از این قانون را در زیر می‌خوانید. [مواد؛ ۲، ۵، بند ج، تبصره ۳، ماده ۴، ماده ۱۴ و ۲۱].

**پسماندهای پزشکی (بیمارستانی):** به کلیه پسماندهای عفونی و زیان‌آور ناشی از بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی، درمانی، آزمایشگاه‌های تشخیص طبی و سایر مراکز مشابه گفته می‌شود. سایر پسماندهای خطرناک بیمارستانی از شمول این تعریف خارج است.

**پسماندهای صنعتی:** به کلیه پسماندهای ناشی از فعالیت‌های صنعتی و معدنی و پسماندهای پالایشگاهی صنایع گاز، نفت و پتروشیمی و نیروگاهی و امثال آن گفته می‌شود از قبیل براده‌ها، سرریزها و لجن‌های صنعتی.

**مدیریت اجرای پسماند:** شخصیت حقیقی یا حقوقی است که مسؤول برنامه‌ریزی، ساماندهی، مراقبت و عملیات اجرایی مربوط به تولید، جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، جداسازی، حمل‌ونقل، بازیافت، پردازش و دفع پسماندها و همچنین آموزش و اطلاع‌رسانی در این زمینه می‌باشد.

**تبصره ۳:** پسماندهای ویژه پرتوزا تابع قوانین و مقررات مربوط به خود می‌باشند.

**ماده ۶:** سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و سایر رسانه‌هایی که نقش اطلاع‌رسانی دارند و همچنین دستگاه‌های آموزشی و فرهنگی موظفند جهت اصلاح‌رسانی و آموزش، جداسازی صحیح، جمع‌آوری و بازیافت پسماندها اقدام و با سازمان‌ها و مسؤولین مربوط همکاری نمایند.

**ماده ۱۴:** نقل و انتقال برون مرزی پسماندهای ویژه تابع مقررات کنوانسیون بازل و با نظارت مرجع ملی کنوانسیون خواهد بود. نقل و انتقال درون مرزی پسماندهای ویژه تابع آیین‌نامه اجرایی مصوب هیأت وزیران خواهد بود.

**ماده ۲۱:** درآمد حاصل از جرایم این قانون به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز و همه ساله معادل وجوه واریزی از محل اعتبارات ردیف خاصی که در قوانین بودجه سنواری پیش‌بینی می‌شود. در اختیار دستگاه‌هایی که در آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهند شد. قرار خواهد گرفت تا صرف آموزش، فرهنگ‌سازی، اطلاع‌رسانی و رفع آلودگی ناشی از پسماندها، حفاظت از محیط‌زیست و تأمین امکانات لازم در جهت اجرای این قانون گردد.

(مانند باغ‌های ملی [=پارک]) همچنان بر عهدهی شهرداری‌ها باقی ماند. به هر روی شهرداری پسماندها را گرد می‌آورد و دفع و دفن می‌نمود و در بیشتر مواقع در پهنه‌ها، مسیل‌ها و گودهای پیرامون شهرها می‌ماند تا رفته رفته به پوست. وزارت بهداشت نیز در رده بیمارستان‌ها دربارهی پسماندهای بیمارستانی دست به کارهایی می‌زد. از آنجا که وزارت بهداشت به عنوان مدیریتی جدای از سازمان حفاظت از محیط‌زیست و هر دوی آنان جدای از شهرداری کار می‌کردند. روز به روز بهداشت محیط‌زیست شهری و سلامت آن به ویژه در شهرهای بزرگ در خطر آلایندهی بیشتر قرار می‌گرفت.

پسماندهای صنایع، چون صنعت نفت، نساجی (به ویژه بخش رنگرزی) آهن‌گدازی، داروسازی و خودروسازی بیشتر بر محیط‌زیست شهری فشار می‌آورد. بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها که شمارشان پیوسته رو به فزونی نهاده بود نیز بار بیشتری را بر دوش شهر می‌نهادند.

دیرپایی برخی از پسماندها با تولید انبوهی که داشت، در واپسین سال‌های فرمانروایی پهلوی دوم و سال‌های آغازین حکومت جمهوری اسلامی، همراه با موج انفجار جمعیت در دهه ۶۰، زنگ خطر را برای شهرهایی که شمار آن‌ها نیز به شتاب افزون می‌شد، به صدا درآورد. در پاره‌ای از پهنه‌های سرزمینی، رشد تارچی شهرها که خود پیامد انفجار جمعیت بود، نابسامانی‌های خطرناکی را پدید آورد.

باریکه‌ی جلگه‌ی بارآور گیلان، مازندران و گلستان زیستبومی بسیار شکننده شد و آسیب دید و به بحران زیست‌محیطی برگشت‌ناپذیری نزدیک گردید؛ آلایندهی در آب‌های روان، آب‌های زیرزمینی، خاک و آب‌های کناره‌ای دریای مازندران که منبع حیات شمالیان و بسیاری از مردمان این مرزوبوم شمرده می‌شود به سوی ورطه‌ی مرگباری گام برداشت.

پس از پایان جنگ و آغاز روزگار سازندگی در دهه ۷۰ فرصت‌های بیشتری برای پرداختن به مسائل زیست‌محیطی به ویژه در شهرها فراهم آمد و ضرورت ساماندهی آن در شهرهای پرجمعیت محتوم گردید. پسماندهای شهرهای بزرگ را می‌آلودند و کلانشهرها را با دشواری‌های پیش‌بینی نشده و بزرگی رویارو می‌ساختند. با آن که در اصل پنجاهم قانون اساسی به این زمینه پرداخته شده بود، سال‌ها به درازا کشید تا وزارت کشور، سازمان حفاظت از محیط‌زیست و شهرداری‌ها جداگانه، گاه با یکدیگر این ضرورت را به صورت "لایحه" یا به یاری نمایندگان مجلس به صورت "طرح" پیشنهاد کنند.

سرانجام "لایحه‌ی مدیریت پسماند" به دست حفاظت محیط‌زیست و وزارت کشور تنظیم و پس از بررسی و تصویب در کمیسیون زیربنایی دولت در ۸۱/۹/۲۴ در هیأت دولت به تصویب رسید. در پایان همان سال به مجلس برده شد و دو سال بعد در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۳، در راستای تحقق "اصل پنجاهم قانون اساسی" و برای نگهداشت محیط‌زیست کشور از آثار زیانبار

منابع:

- ۱- سعیدینیا، احمد، کتاب سبزی شهرداری، جلد هفتم مواد زاید جامد شهری، انتشارات سازمان شهرداریها، چاپ یکم، ۱۳۷۸.
- ۲- کاظمیان، غلامرضا و سعیدی، نوید، اسکان‌سنجی و اکنداری وظایف جدید به شهرداری‌ها، جلد دوم مدیریت شهری و شهرداری‌ها در ایران، انتشارات سازمان شهرداری‌ها، چاپ یکم ۱۳۸۱.
- ۳- قانون مدیریت پسماند پایان یک انتظار، فصلنامه مدیریت پسماندها، تابستان ۸۳، انتشارات سازمان شهرداریها.